**3شنبه 19تیر 1403-3محرم 1446-9ژولای 2024-درس 165فقه توانمندسازی – شرائط توانمندسازان**

**مساله :از شرائط مهم توانمندسازان "عدم رها سازی و واگذاری" توان پذیران به حال خود است**

***شرح مساله* : معلوم شد که بین رب و مربوب رابطه توانمندسازی برقرار است خداوند به عنوان مالک مدبر با تعلیم و تجهیز و تسخیر و.... مربوب خود را مداوما تقویت و توانا میکند خصوصیات و اوصاف رب العالمین در فرآیند توانمندسازی به نسبت خود اوصاف مدیران جهان در تدابیر نیابی خود باید واجد باشند . البته مربوب در مقابل رب استحقاقی ندارد و لی طبق قاعده لطف و امتنان میتواند در قابل دعا و التماس مطالبه توان کند مثلا بگوید:" قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی" یعنی خدایا جوارح و جوانح من را تقویت و تشدید بر خدمت و عزیمت (تصمیم گیری ) فرما . این مطالبه گری توان به اذن خداست که ضمن امر ادعونی داده شده است و پاسخ آن را با استجب لکم تضمین کرده است . با توجه به اینکه همه قوا و توان ها در خدا وند تمرکز دارد (لاقوه الا بالله ) باید طبق توحید در استعانت از او اعانه خواست . استمداد نمود . و لی اگر خلیف خدا حاکم شد طبق خطبه 34 نهج البلاغه از حقوق شهروند انو و رعایا این است که مورد تعلیم و تادیب و توفیر فیئ قرار گیرند که در مقابل بیعت با حاکم شرع و اطاعت و اجابت اوامر و دعوات او به استحقاق آن دست یافته اند . لذا در درجه اول مربوبین رب العالمین مورد توان بخشی امتنانی هستند و در رده های بعدی جزء حقوق رعایا توانمندشدن است و قابل مطاله هم هستند . به هر حال قاعده این است که اوصاف توانمندساز رب العالمین همان اوصاف توانمندسازان سایر رده هاست به حسب رده و طبقه خود . مثلا خداوند معلم است که عالم و علیم است رئوف و رحیم است دانا به ظرفیت های مربوب و متربی ست وساوس نفس او را میداند حوائج او را آشناست تواناییها و دانایی ها را مطابق استعدادها اعطاء میکند تعلیم مالایطاق و تمکین فوق وسع نمی دهد و..... که باید این اوصاف خاص توانمند سازی استقصاء شود وشرائط توانمندسازان در پرتو آن استطهار و استنباط گردد .در این نوبت به وصف "عدم واگذاری مربوب و متربی به حال خود" می پردازیم که از آیه شریفه "** مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى "[[1]](#footnote-1).[[2]](#footnote-2)"پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است " که برای اهمیت این وصف و توصیف تمکن ساز مستظهر به چندین سوگند شده است .[[3]](#footnote-3) مبنای توانمندسازی عدم تودیع است یعنی عدم ترک و توجه است یعنی باید توان پذیر را قبل از استخدام وارد یک فرآیند نمود با توجه کامل بدون بغض و خشونت و دشمنی بلکه با دوستی و محبت و یعنی توانمندساز دارای دو ویژگی است توجه کامل و عدم خشونت .

 بر مبنای این وصف چند سرفصل از انواع توانمندسازی ها را هم عرضه میفرماید . مانند

1. اعطائات رضایت بخش :
2. ماوی دادن :
3. و بی نیاز کردن و رفع عیلوله نمودن [[4]](#footnote-4)
4. و هدایت کردن و راهنمایی نمودن و مسیر یابی است
1. ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ ما قَلى‏"" توديع" كه مصدر فعل" ودع" است به معناى ترك است، و كلمه" قلى"- به كسره قاف- به معناى بغض و يا شدت بغض است، و اين آيه جواب دو سوگند اول سوره است، و مناسبت نور روز با مساله وحى، و تاريكى شب با انقطاع وحى بر كسى پوشيده نيست. [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره ضحی آیه 3 [↑](#footnote-ref-2)
3. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند رحمتگر مهربان

وَالضُّحَى ﴿۱﴾سوگند به روشنايى روز (۱)

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿۲﴾سوگند به شب چون آرام گيرد (۲)

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿۳﴾[كه] پروردگارت تو را وانگذاشته و دشمن نداشته است (۳)

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴿۴﴾و قطعا آخرت براى تو از دنيا نيكوتر خواهد بود (۴)

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ﴿۵﴾و بزودى پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خرسند گردى (۵)

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿۶﴾مگر نه تو را يتيم يافت پس پناه داد (۶)

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ﴿۷﴾و تو را سرگشته يافت پس هدايت كرد (۷)

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿۸﴾و تو را تنگدست‏ يافت و بى ‏نياز گردانيد (۸)

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿۹﴾و اما [تو نيز به پاس نعمت ما] يتيم را ميازار (۹)

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿۱۰﴾و گدا را مران (۱۰)

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿۱۱﴾و از نعمت پروردگار خويش [با مردم] سخن گوى (۱۱) [↑](#footnote-ref-3)
4. " وَ وَجَدَكَ عائِلًا فَأَغْنى‏" كلمه" عائل" به معناى تهى دستى است كه از مال دنيا چيزى ندارد، و رسول خدا (ص) همين طور بود، و خداى تعالى او را بعد از ازدواج با خديجه دختر خويلد (عليها السلام) بى نياز كرد، و خديجه تمامى اموالش را با همه كثرتى كه داشت به آن جناب بخشيد.ولى بعضى گفته‏اند: مراد از اغناء، استجابت دعاى آن حضرت است. [↑](#footnote-ref-4)